

درس هفتم

برترین بانو

در روزگاری که جاهلان داشتن فرزند دختر را ننگ و عار می دانستند و زن در نزد آنان ارزشی نداشت، خداوند به بهترین بنده خود بهترین هدیه را داد؛ فرزندی دختر. دختری که بر خلاف رسوم غلط آن روز، نه موجب ننگ، بلکه به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، موجب برکت و شادمانی زندگی بود.

به نظر شما چرا خداوند با وجود اینکه دختر در میان مردم زمان پیامبر اکرم مایه ننگ بود، به ایشان فرزند دختر داد؟

تمام سال‌هایی که در مکه به همراه پیامبر زندگی می‌کرد، بارها و بارها شاهد آزار و اذیت پیامبر توسط مشرکان بود. اینها موجب شد ایشان در دوران کودکی، دشواری ترک شهر و دیار خود را بپذیرد و به دنبال پدر به مدینه هجرت کند. این رنج‌ها نه تنها موجب ناامیدی‌اش نشد بلکه او را مقاوم‌تر و استوارتر ساخت. شاید این سخن پیامبر را شنیده‌اید که: **فاطمه سرور زنان اولین و آخرین و برترین بانوی جهان است.**

برخی از ویژگیهای فاطمه زهرا سلام الله علیها

۱- حیا و عفت

هنوز چند روزی از پیوند آسمانی حضرت علی و حضرت زهرا نگذشته بود که نزد پیامبر خدا آمدند تا از راهنمایی‌های ارزنده ایشان، برای ادامه زندگی مشترکشان استفاده کنند. چه کسی بهتر از پیامبر خدا می‌توانست راه بهتر زندگی کردن را به آنها بیاموزد؟ پیامبر خدا سفارش‌هایی کرد که به زندگی زیبای آن دو آرامش بیشتری بخشید؛ یکی از راهنمایی‌ها این بود:

علی جان، بهتر است شما کارهای بیرون خانه را بر عهده بگیری و دخترم فاطمه کارهای داخل خانه را.

وقتی این تقسیم کار انجام شد، حضرت فاطمه سلام الله علیها فرمود:

خدا می‌داند چقدر خوشحالم از اینکه رسول خدا، مرا از روبه‌رو شدن با

مردان نامحرم بی‌نیاز ساخت.^۱

۲- علاقه شدید به پیامبر

حضرت فاطمه انس و علاقه بسیاری به پیامبر داشت. هرگاه غذای خوبی تهیه می‌کرد، رسول خدا را نیز دعوت می‌کرد و نسبت به ایشان همچون مادر مهربان بود. در جنگ‌های سخت، با به خطر انداختن جان خود، در میدان نبرد زخم‌های پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین را مداوا می‌کرد. در لحظات پایانی عمر پیامبر اکرم، بیش از همه بی‌تابی می‌کرد تا اینکه پیامبر مژده داد که دخترم! تو اولین کسی هستی که بعد از من، به من ملحق می‌شوی. اینجا بود که همه دیدند لبخندی در چهره فاطمه سلام‌الله‌علیها پدیدار گشت.

پیامبر اکرم درباره ایشان می‌فرماید:

خداوند فاطمه را دوست دارد و دوستداران فاطمه را نیز دوست دارد.
خداوند با خوشحالی فاطمه خشنود و با خشم او خشمگین می‌شود.^{۲*}

هرگاه حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها وارد خانه می‌شد، پیامبر اعظم با خوشحالی از جا برمی‌خاست، به او خوشامد می‌گفت، دستانش را می‌بوسید و او را در کنار خودش می‌نشاند و می‌فرمود:

فاطمه مایه شادمانی قلب من است.^۲

در زندگی مشترک با وجود تمام سختی‌ها مایه آرامش خانواده بود. آن‌گونه که امام علی علیه‌السلام درباره ایشان می‌گوید:

هرگاه به او می‌نگریستم غم و اندوه من برطرف می‌شد. خدا می‌داند که فاطمه در تمام مدت زندگی هرگز مرا خشمگین نساخت و برای خود چیزی از من نخواست، مبادا که من نتوانم آن را فراهم کنم [و شرمنده شوم]. فاطمه یآوری نیکو در راه پیروی از خدا بود.^۱

۳- اهمیت دادن به خانواده و خانه‌داری

او که به فرموده پیامبر اکرم سرور همه زنان عالم بود، کار در منزل را عیب نمی‌دانست. گندم را با دستاس (آسیاب سنگی کوچک) آرد می‌کرد و نان می‌بخت و گاه سختی کارهایش به حدی بود که دستانش تاؤل می‌زد. با وجود همه کارها و گرفتاری‌ها، از عبادت خدا غافل نمی‌شد. برخی شب‌ها تا صبح به راز و نیاز با خدا مشغول بود. اما با وجود این همه عبادت، باز هم نگران بود؛ نگران از سفر آخرت. به پیامبر خدا می‌گفت: سوگند به خدا که اندوهم شدت می‌یابد آن‌گاه که می‌اندیشم من برای سفر طولانی آخرت چه آماده کرده‌ام!

حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها به تربیت و آموزش فرزندان نیز توجه خاصی داشت. در شب‌های قدر، به فرزندان غذای سبکی می‌داد، تا بتوانند شب را بیدار بمانند و از برکات این شب بهره‌مند گردند.

۴- ساده زیستی

با آنکه دختر پیامبر بود، اما همچون پدر بزرگوارشان ساده می زیست. سلمان فارسی که شکوه و عظمت شاهان و شاهزادگان ایران را دیده بود، هنگامی که دختر رسول خدا را می بیند، می گوید: شگفتا، دختران پادشاهان ایران و روم بر تخت‌هایی از طلا می‌نشینند و پارچه‌های زربافت بر تن می‌کنند اما دختر رسول خدا نه چادر گران‌قیمتی بر سر دارد و نه لباس‌هایی فاخر.^۲

با آنکه ایشان به هنگام ازدواج، خواستگاران زیادی از بزرگان و ثروتمندان شهر داشت و حتی برخی از آنان حاضر شده بودند به اندازه صد بار شتر پارچه‌های گران‌قیمت و هزاران دینار طلا مهریه ایشان کنند، اما فاطمه، علی را برگزید که از مال و ثروت دنیا جز یک شتر، یک زره و یک شمشیر، چیزی نداشت؛ و ایمان را به ثروت برتری داد.

پس از ازدواج تا مدت زیادی در خانه‌ای که اجاره کرده بودند زندگی کردند تا اینکه بعدها توانستند در کنار منزل پیامبر خانه‌ای بسازند. خانه‌ای که فرش آن حصیری بود که تنها نیمی از اتاق را می‌پوشاند و نیم دیگر با شن نرم پوشیده شده بود.

۵- ایثار و بخشندگی

حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها عبادت را تنها در نماز و روزه نمی‌دید، بلکه رسیدگی به محرومان را نیز عبادت و اطاعت از خدا می‌دانست. بارها فقرا به درب خانه او می‌آمدند اما با آنکه خود ثروتمند نبود، آنچه داشت به آنها می‌بخشید:

حکایت بخشیدن گردنبند را که یادتان هست؟

غلام از شادمانی آزادی، با صدای بلند می‌خندد و می‌گوید: عجب گردن‌بند پربرکتی، گرسنه‌ای را سیر کرد، برهنه‌ای را پوشاند، فقیری را بی‌نیاز کرد، بنده‌ای را آزاد ساخت و در پایان به صاحب اصلی‌اش بازگشت.

۶- حضور در اجتماع

آن حضرت با آنکه سعادت زنان را در دوری از مردان نامحرم می‌دانست اما هرگاه حق به خطر می‌افتاد با حفظ حیا و وقار به میان مردم می‌آمد و آنان را ارشاد و نصیحت می‌کرد. سخنان و خطبه‌های آن حضرت در مسجد مدینه که باقی مانده است، نمونه‌هایی از حضور ضروری در اجتماع است.

معارف و احکام دین را به زنان می‌آموخت و با گشاده‌رویی به پرسش‌های آنان پاسخ می‌داد و هرگز از این کار خسته و آزرده نمی‌شد.

ایشان به هنگام جنگ در خانه نان می‌پخت و آن را برای رزمندگان می‌فرستاد و هرگاه نیاز بود در جبهه به مداوای مجروحان و آبرسانی به آنان مشغول می‌شد.